

بخشی از بیلان عملیات‌های خرابکارانه منافقین در پشت جبهه

# منافقین؛ ستون پنجم رژیم بعث

در پایگاه دریایی خرمشهر مستقر در بندر ماهشهر را از کار انداخته‌اند.

**تهران، ۳ شهریور**؛ پرسنل هسته مقاومت موتور یک هواپیمای ترابری C۱۳۰ را در سازمان صنایع هواپیمایی از کار انداخته‌اند.

**تهران، یک مهر**؛ طی یک طرح حساب‌شده موتور یک هواپیمای F۴ را از کار انداخته‌اند.

بندر امام خمینی، ۲۸ شهریور؛ با عمل ایدایی خود قفل درهای اتومبیل یکی از مزدوران عقیدتی سیاسی پایگاه نیروی دریایی را با ریختن چسب قطره‌ای از کار انداخته‌اند.
**تهران، ۱۷ بهمن**؛ طی عملیاتی موفق به تخریب کامل موتور یک فروند هواپیمای سنگین ترابری از نوع C-۱۳۰ در سازمان صنایع هواپیمایی شدند. در این عملیات که براساس یک طرح پیچیده و حساب‌شده صورت می‌گرفت، چندین عمل تخریبی روی قسمت‌های مختلف موتور این هواپیما و از جمله روی توربین آن انجام شد و آن را به‌طور کامل از کار انداخت.

**اصفهان، ۹ بهمن**؛ طبق یک طرح حساب‌شده و پیچیده و طی دو عملیات روی دو هواپیمای F-۱۴ (تام کت) در پایگاه هشتم شکاری اصفهان، باعث از بین رفتن دو دستگاه حساس الکترونیکی از وسایل آلات دقیق و نابوری این هواپیماها شدند. درنتیجه این عملیات و با ازکارافتادن دستگاه‌های فوق‌الذکر که تهیه قطعات یدکی و تعمیرات‌شان حداقل یک ماه به طول خواهد انجامید، سیکل پروازی دو فروند از هواپیماهای F-۱۴ این پایگاه که مرتباً به‌ماموریت‌های جنگی گسیل می‌شوند حداقل به مدت یک ماه به تأخیر خواهد افتاد.

**تهران، بهمن**؛ در سازمان صنایع هواپیمایی موفق شدند طبق یک طرح دقیق و حساب‌شده قسمت‌های مختلف دو موتور هواپیماهای شکاری جنگنده فانتوم F-۱۴ را تخریب کرده و موقتاً از کار ببندازند. روز ۱۸ بهمن هنگامی که موتورهای مزبور روی هواپیما نصب شدند اختلالات شدیدی که در آن ایجاد شده بود بارز شد و به‌طور کامل از کار ایستاد.

**مسجد سلیمان، ۱۰ بهمن**؛ اقدام به از کار انداختن یک دستگاه تانک چیفتن در صنایع تانک‌سازی مسجد سلیمان کردند. این اقدام که با به‌کارگیری مواد تخریبی خاص و ریختن آن در داخل موتور تانک و همچنین انجام کارهای تخریبی دیگر در سایر قسمت‌های موتور صورت گرفت، باعث از بین رفتن بیش از ۶۰ درصد از موتور



تانک مزبور شده و در نتیجه سیلندرها و سرسیلندرها و واشرهای مربوط به آن و همچنین مخزن سوخت از بین رفته و سایر قسمت‌های موتور نیز آسیب دیده است. به این ترتیب با ازکارافتادن موتور تانک به‌ویژه به‌دلیل کمبود قطعات و نیاز به تعمیرات اساسی در موتور، تا مدت‌ها این تانک قابل استفاده نخواهد بود.

**مسجد سلیمان، ۱۰ بهمن**؛ در اصلی ورودی مسجد یادگان را که مورد استفاده دایره عقیدتی سیاسی یادگان قرار می‌گرفت، با استفاده از چسب قطره‌ای مسدود کردند. **تبریز، ۹ بهمن**؛ طی یک عملیات مشهورانه با تخریب منبع بزرگ سوخت ترابری یادگان نیروی زمینی تبریز، کلیه مواد سوختی این منبع بزرگ را از بین بردند.

**میاندوآب، ۱۲ بهمن**؛ اعضای این هسته با نفوذ به منطقه حفاظت‌شده سپاه دو دستگاه خودروی تویوتا استیشن... را به‌آتش کشیده و آنها را به کلی منهدم کردند.

**تهران، بهمن**؛ با نفوذ به قسمت‌های مختلف لجستیکی یادگان نیروهای هوایی تهران، تعداد ۲۱ قطعه از قطعات حساس دستگاه‌ها و ابزار آلات موجود در این مراکز را تخریب کرده و از بین بردند که ارزش قطعات منهدم‌شده بالغ بر ۳۵ هزار دلار بوده است.

**تبریز، ۱۵ بهمن**؛ با نفوذ به یادگان نیروی زمینی موفق شدند یک دستگاه نفربر زیل

برگی از جنایات منافقین در ۸ سال دفاع مقدس

# منافقین و اسرای جنگی ایران



وحید حسین‌وندی (مدت اسارت در تشکیلات نفاق یک سال): «بعد از صحبت‌هایی که با ما داشتند ما به‌شون گفتیم چه مدت طول می‌کشه ما پیش شما باشیم؟ ما گفتند ۶ ماه تا یک سال پیش ما هستیم. وقتی رفتیم تو چنگ اینها، بعد از به‌قراردهای ساده، گیر افتادیم. ما نمی‌دونستیم که توطئه‌بین صدام و سازمان مجاهدین خلق است، توطئه‌ای است که اسیرهای جنگی ایران و عراق را به‌نیروی مخالفشون تبدیل بکنند. من کسی بوم که آزادانه وارد سازمان شدم. از ۶ ماه بعد قصد جاشدن داشتم. آنها اولیه‌ترین حقوق انسانی را از من گرفتند. من را تکز زدند، درصورتی که می‌گفتند ما یک سازمان انقلابی و طرفدار آزادی هستیم و برای آزادی داریم می‌جنگیم. از سال ۷۶ تضادمان با آنها جدی شد، به‌طوری که برای مانگهان گذاشتند که هرچامی رفتیم، او‌با ما بود. تو هر قرارگاهی می‌رفتم یک نفر محافظ من بود که من فرار نکتم. من حدوداً سه بار فرار کردم. یک‌بار بیرون قرارگاه اشرف مرادستگیر کردند، یک‌بار نزدیک شهر بعقوبه من را دستگیر کردند و یک‌بار هم نزدیک ارتفاعات شمال شرقی قرارگاه اشرف. هر دفعه هم که من دستگیر شدم تک‌های مفصل خوردم. در زندان خودشون توی یک کانتینر مرا حبس می‌کردند و بعد توی یک دوره یک ماهه دو ماهه نشست‌های مختلف، تا به‌قول خودشون ما را سرکوب اساسی کنند که بار دیگه این کار را نکنیم.»

منافقین به‌منظور جذب اسرای ایرانی دریند رژیم بعث عراق حتی در میان آنان نیز عوامل نفوذی خود را می‌فرستادند تا با استفاده از شرایط سخت و طاقت‌فرسای اردوگاه‌ها، اسرا ترغیب به عضویت در تشکیلات نفاق شوند. «بعد ازظهر عراقی‌ها دو نفر را با ضرب و شتم وارد کمپ کردند. یکی از آنها لهجه تهرانی داشت. به‌جچه‌ها گفته بود بسیجی‌ام و جمعی لشکر ۲۵ کربلا خودش می‌گفت عراقی‌ها سرا به جرم فعالیت‌های مذهبی از اردوگاه ۱۸ بعقوبه اینجا تبعید کرده‌اند. نفر دومی خودش را جانشین یکی از گردان‌های لشکر ۱۰

با عکس‌های مختلف از ایران به دستم می‌رسید، هر دو یا سه ماه، فقط یک نامه آن هم بدون عکس، دریافت می‌کردم.

در ارتباط با اسرایی که توسط تشکیلات منافقین در عملیات‌ها گرفته می‌شدند، در سال‌های ۶۵ تا ۶۷، رجوی خطی می‌داد که چگونه با اسسرا رفتار شود و طبق آن پس از تسلیم‌شدن اسیر، هیچ فردی حق برخورد با اسیر را نداشت و فقط تا خارج کردن آنها از صحنه عملیات دست‌ها بسته و باید با ملایمت با او رفتار می‌شد. در دوران اسارت نیز روی نفزات کار سیاسی و تبلیغاتی می‌شد تا به منافقین بپیوندند و تشکیلات در جهت اهداف تبلیغاتی خود از حضور آنها در رادیو و تلویزیون نهایت استفاده را می‌کرد. در عملیات مرصاد (فروغ جاویدان) نیز فرماندهان منافقین گفته بودند که چنانچه کسی سلاح خود را بر زمین گذاشت و اسیر شد، مورد عفو قرار می‌گیرد و نیروها حق هیچ برخوردی راندارند و حتی فرد تسلیم‌شده می‌تواند بدون سلاح بی‌ی کار خود برود. اما در روز دوم عملیات که آمار تلفات نیروها بالا رفت، تصمیم سرکردگان نفاق عوض شد و دستور دادند اسرا تیرباران شوند؛ که عده زیادی از اسسرا در صحنه عملیات تیرباران شدند. به‌طور مثال حدود ۳۵ نفر از سربازان در روز دوم، خود را تسلیم نیروهای منافقین به‌فرماندهی فردی به‌نام افشین (عبدالوهاب فرجی) کردند. فرمانده به آنها دستبند و چشم‌بند زد و در گوشه‌ای جمع‌شان کرد. تعدادی از آنها به‌دلیل تشنگی مستمرا از نگه‌بانان تقاضای آب می‌کردند. یکی از فرمانده‌های دسته‌ها به فرمانده خود اطلاع داد که آنها آب می‌خواهند. فرمانده افشین با اشاره دست به دو تا از تیربارچی‌ها اشاره کرد و گفت: «به اسرا آب بدهید!» تیربارچی‌هایی رحمانه تمامی اسرا را به‌رگبار بستند. مشابه همین کار را جلال پراش نیزه و نصرالله شیاوسی ارانی (نقی)، دو تن از فرماندهان در حیاط ژاندامری و سپاه شهر کرد انجام دادند. در ابتدای همین عملیات اسرای زیادی را در فاصله کردن تا اسلام‌آباد آزاد از آنها فیلمبرداری کردند تا بعدها به‌عنوان نمونه رفتار با اسیران از آن استفاده تبلیغاتی کنند، ولی شکست در این عملیات ماهیت واقعی و درونی رجوی را نشان داد که به فرماندهان حکم کرد اسرا را در صحنه جنگ تیرباران کنند.

اکثر اسرای پیوسته به منافقین، در همان مقطع بازگشت آزادگان به خاک میهن با اعلام جدایی از این تشکیلات موفق شدند همراه دیگر اسرا به میهن اسلامی بازگردند و تعداد دیگری که بعدها انزجار خود را از این گروه اعلام کرده و خواهان بازگشت به کشور بودند، به زندان‌های عراق یا منافقین بازگردانده شدند و مدت‌ها در روستای دبس کرکوک در قرقطینه بودند. تعدادی دیگر نیز فرار را بر قرار ترجیح دادند و به ایران برگشتند و همین بهانه‌ای شد تا سخت‌گیری‌های زیادی صورت بگیرد تا جلوی فرار دیگر اسرا را بگیرند و چند نفری نیز درحال فرار مورد هدف قرار گرفتند تا درس عبرتی برای دیگر اعضا شوند. تعداد اندک باقی‌مانده نیز در طول سال‌های بعد به‌تدریج از این گروه تروریستی جدا شده که به ایران بازگشته یا در کشورهای دیگر ساکن شدند. اسرای پیوسته به منافقین خیلی زود در یافتند که شعارهای پوچ این گروهک سرابی بیش نیست و تنها به‌دلیل شرایط سخت اسارت بوده که ناچار به منافقین پیوسته‌اند، بنابراین اکثر آنها در اولین فرصت ممکن به هر صورتی که بود خود را از این تشکیلات جهنمی جدا کردند.

#### منابع:

مرداب، هادی شمس حائری، هلند، ۱۳۷۵

رد پای اهریمن، صمدنظری، انتشارات انجمن نجات، تهران، ۱۳۹۰
پایی که جا ماند، سیدناصر حسینی‌پور، انتشارات سوره مهر، تهران، ۱۳۹۱
آرشیو اسناد بنیاد هائیلیان
خبرگزاری دفاع مقدس